



گالری ترانه‌باران که پیش از یک‌دهه به‌صورت تخصصی برخط، خوشنویسی و هنرهای ایرانی-اسلامی تمرکز دارد، اعلام‌کرده که به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی، دیدار از این نمایشگاه فقط با تعیین وقت‌قبلی مقدور است و برای تماشای آثار این نمایشگاه تا پایان اردیبهشت وقت دارید.

علی‌اشرف صندوق‌آبادی، کیخسرو خروش، عباس اخوین، ید... کابلی، عین‌الدین صادق‌زاده، منوچهر نیازی و... به نمایش درآمده است که هر یک جلوه‌هایی باشکوه از طنازی‌ها و شگفتی‌های خوشنویسی اصیل ایرانی را بازتاب می‌دهند.

نخبه‌های خط‌ایران در «ترانه‌باران»

گالری «ترانه‌باران» نخستین نمایشگاه خود را در سال ۱۴۰۰ با ارائه مجموعه‌ای نفیس از آثار خوشنویسی نخبگان و بزرگان خط‌ایران آغاز کرده است. آن‌طور که روابط‌مومی این رویداد به جام‌جم داده در این نمایشگاه آثاری شاخص از استادان غلامحسین امیرخانی، رضا مافی، سیدمحمد حصایی،



چیتا... ایوبی، حسین انتظامی و محمدمهرداد خیدریان (۳ رئیس سازمان سینمایی دولت روحانی) در کنار یکدیگر | عکس: مهر

رجوع به انفعال

عملکرد سینمایی این دولت با تصدی ریاست سازمان سینمایی توسط حجت‌ا... ایوبی شروع شد. او گام مهمی برای به‌روز کردن فناوری در سینما برداشت و با دیجیتالی کردن نمایش در سالن‌های سینما، پروژه تحول مهمی در توزیع و نمایش فیلم را کلید زد.



علیرضا داوودنژاد
کارگردان سینما

تحول مهمی در توزیع و نمایش فیلم را کلید زد. تعطیلی تدریجی لابراتوارهای قدیمی و تاسیس لابراتوارهای روزآمد و جمع‌شدن شرکت‌های عریض و طویل پخش فیلم و فراوانی کپی و رونق اکران همزمان در همه شهرها و افزایش جهشی درآمد سینما ازجمله آثار این تحول بود که در کنار برخوردهای محترمانه ایوبی با هنرمندان و ارج نهادن به ساختارهای صنفی و تلاش برای توسعه سالن‌ها و ایجاد رونق در نمایش خانگی و راه‌اندازی مدرسه ملی سینما و توفیق تولیدات آن در جشنواره‌های معتبر جهانی و بهایافتن نیروهای جوان و مستعد در سینمای حرفه‌ای و جشنواره‌های داخلی چشم‌اندازی نسبتاً نویدبخش از رونق و اعتلای سینمای ملی را به وجود آورد که گویی در آن جایگاه هنر سینما بازشناسی شده بود و می‌شد به شکستن انحصارات مالی و سیاسی بر سینما چشم دوخت و به نجات تدریجی آن از چنگ بازتولید کلیشه‌های مستعمل ماهواره‌ای امید‌بست؛ اما شاید درست به همین دلیل عمر مدیریت او حتی به یک دوره کامل هم وصال نداد و یک‌سال زودتر توسط همان جریان‌ی که قبلاً معاونت سینمایی سیفا... داد را زودهنگام منقرض کرده بود از کار برکنار شد؛ و این اتفاق بود که من احتمال آن را در مراسم بزرگداشت خودم در خانه سینما مطرح کرده و با یادآوری آنچه بر سیفا... داد گذشت بر آن تأکید کردم.

آنچه بعد از این دوره کوتاه و در پنج سال بعدی تا امروز اتفاق افتاد بازگشت به همان سیاست‌هایی بود که برای هنر سینما ارزش چندانی قائل نیست و بیشتر به رسانه‌ای کردن سینما و ارضای نگرش‌های سیاسی و تمایلات تجاری می‌انداشد و از رجوع دوباره سینما به انفعال و تقلید و کپی‌برداری نگرانی چندانی ندارد و صرفاً رضایت جریان‌ات جناحی و سینماداری را برای خود موفقیت به حساب می‌آورد. این جریان با ناامنی بازار کالاهای فرهنگی ازجمله ناامنی در بازار نمایش خانگی به راحتی کنار می‌آید و با انحلال سازمان رسانه‌های تصویری، تنها سنگر مکلف به دفاع از تولیدکننده داخلی را منهدم می‌کند و عملاً ابتکار عمل در فضای نمایش خانگی را به بازار سیاه می‌سپرد؛ و به این ترتیب سینمایی را که می‌توانست با اعتباربخشی به هنر سینما و تشکیلات صنفی هنرمندان و تکیه به نسل جوان و خلاق، دوران طلایی دیگری را رقم بزند بار دیگر گرفتار دست‌به‌دست شدن بین واسطه‌های مالی و سیاسی می‌کند و با میدان بازکردن برای انحصار در تولید و توزیع و نمایش و تضعیف نهاد‌های صنفی، دوران تازه‌ای از افول و انزوای هنرمندان و میدان‌دادن به کلیشه‌پردازان را رقم می‌زند؛ تا بار دیگر تکرار و ملال و کساد و رکود به ورشکستگی بخش اعظم تولیدات سینمای ایران دامن بزند و عمده درآمدها را به جیب انحصارهایی سرازیر کند که صاحبان فیلم‌های کلیشه‌ای و اغلب متکی به سوپرستار بوده و هستند. آنچه بی‌اعتنایی این مدیریت به هنر سینما و زیرساخت‌های صنعتی آن را به‌وضوح نشان می‌دهد شرایطی است که در یکی دو سال گذشته و با وقوع همه‌گیری کرونا روی داده‌است. با این همه‌گیری، سینمای ایران به بزرگ‌ترین بحرانی که در تاریخ سینمای ایران نظیر نداشته، مبتلا می‌شود. امروز ما شاهد هستیم که ۲۰ فیلم سینمایی اکران نشده، پشت گیشه‌های کساد و درهای بسته سالن‌های سینما زمینگیر شده‌اند.

آنچه در این ایام از مدیریت دولتی و صنفی توقع می‌رفت این بود که لااقل برای کمک به بیشتر درخانه ماندن مردم، می‌کوشیدند که برای نمایش خانگی امنیت فراهم کنند و با معرفی و تبلیغ «سینماآلاین» و «وی‌اودی» برای این بازار تازه، به ده‌هایمیلیون مخاطب بالقوه فعلیت بخشند و با شکستن انحصار نمایش فیلم‌های سینمایی در سالن‌ها زمینه‌ساز تحولی دوران ساز برای تولید و توزیع و نمایش در سینمای ایران شوند؛ اما آنچه در عمل شاهد آن هستیم، دست‌روی دست گذاشتن و بی‌اعتنایی به بحران و بیکاری و تنگنا و مضيقه و فقر در سینمای ایران است آنچنان‌که گویی در آب‌نمک ماندن این فیلم‌ها را برای روزگار پساکرونا ترجیح می‌دهد تا تاریخ سینما در ایران بعد از صدمات گسترده ناشی از همه‌گیری کرونا، سهمگین‌ترین خطر فیلم‌سوزی در سالن‌های نمایش را نیز شاهد باشد.

همه سینمای ایران در خدمت دفاع مقدس است



«تنگه ابوقریب» از فیلم‌های خوب دفاع مقدس

اما همین آقای ایوبی چند ماه بعد و در ۳۰ بهمن همان سال ۹۳ به دشواری‌ها و هزینه بالای تولید یک فیلم سینمایی جنگی و دفاع مقدسی اذعان کرد و این‌که بودجه فارابی و سازمان سینمایی برای فیلمسازی کفاف این تولید را نمی‌دهد.



«ویلاهی‌ها» یک فیلم اولی موفق در حوزه جنگ

سهم سینمای دفاع مقدس، مقاومت و انقلاب

با توجه به سختی‌های تولید فیلم جنگی و دفاع مقدسی و البته با عنایت به ضرورت تولید چنین آثار استراتژیکی و ایدئولوژیکی، با مرور تولیدات سینمایی به عدد ۲۳ رسیدیم که البته قطعی نیست و شاید آثار دیگری هم در این زمینه تولید شده باشد، اما شاخص‌ها از قلم نیفتاده است. گرچه مجموع این آثار فاصله‌ای بعید با بهترین نمونه‌ها در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ دارند، اما فیلم‌هایی چون ویلاهی‌ها، ماجرای نیمروز، ماجرای نیمروز: رد خون، بادیکارد و به وقت شام هم در این چند سال اخیر داشتیم که قابل اعتنا هستند و مورد توجه قرار گرفتند.

طرح گیشه‌ای سازی فیلم‌های ضدگیشه

طولی نکشید که به علت فقدان تعریف روشن از چپستی فیلم‌های هنری و تجربی، این گروه تبدیل به انباری برای فیلم‌هایی شد که یا ویژگی خاصی برای فروش نداشتند یا پس از تحمیل شدن اعطای مجوز آنها به وزارت ارشاد، نهایتاً می‌توانستند در این گروه به‌طور محدود به نمایش گذاشته شوند. اشتباه اساسی اینجا بود که فیلم‌های هنر و تجربه اساساً رسالتی برای توسعه اقتصاد سینما نداشتند بلکه امکانات فکری و فرمی و فنی را مد نظر قرار می‌دادند و اقدام دولت حاوی نوعی تضاد بود.



ضمیمه دوم دفتر راهبردها به سینمای هنر و تجربه می‌پرداخت. طرحی برای تاسیس یک گروه سینمایی، ویژه اکران فیلم‌های هنری و تجربی که علاوه بر تأمین فرصت ویژه در جدول پخش شلوغ سینماها برای فیلم‌هایی که در گیشه منطقاً امکان موفقیت نداشتند، حمایت‌های مالی نسبتاً منحصربه‌فردی را هم برای سازندگان آنها فراهم می‌کرد.

ساماندهی وضعیت اکران

دولت تدبیر و امید، ناوگان اکران سینمایی کشور را با ۳۱۸ سالن-برده فعال تحویل گرفت و با ۶۴۵ سالن-برده تا نیمه دوم سال ۹۹ تحویل داده است. این ارقام شامل همه پرده‌ها ازجمله پرده‌های فرهنگسراها نیز می‌شود. ظرفیت تولید سالانه سینما همچنان در حدود ۱۰۰ فیلم باقی مانده که نشان می‌دهد هنوز ظرفیت اکران متناسب با تولید نیست. خصوصاً اگر توجه داشته باشیم که توزیع این تعداد سالن در سراسر کشور متوازن نیست و حدود ۲۰۰ سالن-برده از این تعداد تنها در تهران قرار دارد. گفتنی است همزمان با گسترش محدودیت‌های کرونایی ظرف یک‌سال ونیم اخیر، برخی سالن‌های سینما درخواست تغییر کاربری داده‌اند.

هزینه فیلم دیدن

دولت یازدهم سینما را سال ۹۲ با ارقام ۶۰۰۰ تومان برای سینماهای مدرن، ۵۰۰۰ تومان ممتاز، ۴۰۰۰ تومان درجه یک و ۲۵۰۰ تومان درجه ۲ تحویل گرفت و در اولین گام برای سال ۹۳ بدون افزایش در قیمت بلیت، مالیات بر ارزش افزوده را از ۶ درصد به ۸ درصد رساند. حالا در آستانه پایان دولت دوازدهم، شورای صنفی نمایش برای سینماهای مدرن، ممتاز و درجه یک، نرخ بلیت را به ترتیب ۲۵، ۳۰ و ۱۵ هزار تومان تصویب کرده که رشد پنج‌برابری قیمت بلیت در طول هشت سال را برای سینماهای مدرن نشان می‌دهد.

ماجرای پول‌های کثیف

بمب خبری با «شهرزاد» حسن فتحی منفجر شد. پس از آن نام‌های حسین هدایتی، محمد امامی و هادی رضوی بیشتر در پروژه‌ها شنیده شد. انتخاب حسین انتظامی در اردیبهشت ۹۸ را می‌توان تحت‌تأثیر همین جو دانست. او که شعار شفافیت را در سمت‌های پیشین خود آغاز کرده بود، به سازمان آمد اما کورسوی سامانه «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات» به‌زودی خاموش شد و انتظامی چندین بار با سلب مسؤولیت‌کلی از دولت در زمینه فسادهای مالی در سینما و انداختن آن به دوش قوه قضاییه گفت: «متر و معیار تشخیص پول کثیف در اختیار سازمان سینمایی نیست». این در حالی بود که تنظیم‌گری، شناسایی سرمایه‌گذاران انگشت شمار خصوصاً در پروژه‌های کلان سرمایه و همکاری با مجلس برای قانونگذاری می‌توانست مصونیت پیشینی را تا حدود زیادی برای سینما ایجاد کند.



طرح تحول آموزش سینمایی

بهار ۹۳ انصافاً زود بود که دولت جدید ششماهه، دفترچه «رویکردها، راهبردها و سیاست‌های سازمان سینمایی دولت تدبیر و امید» اش را منتشر کند. اما دفترچه منتشر شد درحالی که نه‌تنها حاوی افق‌های دولت دهم برای مدیریت سینما در بخش‌های مختلف بود بلکه در بخش ضمانت، دو ابتکار ویژه را هم برمی‌شمرد تا بر وجه تمایز برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی خود برای سینما تأکید کرده باشد. در این ضمیمه دو طرح «تاسیس مدرسه ملی سینما» و «سینمای هنر و تجربه» به تفصیل مورد اشاره قرار گرفته بود. در طرح مدرسه ملی سینما، تصریح شده بود: «این نهاد، علاوه بر مباحث نظری که غالباً در مراکز دانشگاهی آموزش داده می‌شوند، عمده توجه خود را به شیوه‌های کاربردی و عملی آموزش سینما معطوف می‌دارد و در این راستا از تجربه‌های مثبت علمی و عملی رایج در بهترین مدارس سینمایی مشابه و موجود بهره می‌گیرد.»



از قضا آسیب اصلی آموزش‌های سینمایی کشور لااقل تا سال ۹۳ بیش از شیوه‌های کاربردی و عملی، معطوف به خلاهای نظری در فضای آموزشی بود اما به هرحال همین افق هم چیزی نبود که در مدرسه عالی سینما اتفاق بیفتد. دوره ۹ ماهه ظهور و سقوط دوره مطالعات فیلم این مدرسه نشان می‌دهد رویکرد یا دست‌کم افق موسسان مدرسه، عملاً در این دوره پیاده نشد. فارغ از این‌که اساساً این مدرسه توانست اقدامی پایدار باشد و در یک دوره یک‌ساله پایان یافت.